

# ایران در جنگ با عراق یا جهان

در مدار ظهر روزی و یکم شهریور ماه سال ۱۳۵۹ هجری خورشیدی، کشور ایران مورد تهاجم ناگهانی، هجوم هواپیماهای جنگی کشور همسایه غربی خود، عراق قرار گرفت. در عصر آن روز زمانی که شیپور جنگ از سوی عراق نواخته شد و ملت انقلابی ایران اسلامی را به جنگ دعوت کرد، شعور و شرف انقلابی مردم ایران، ریشه در انقلاب اسلامی داشت، که استراتژی ملت ایران در دوستی و تعامل با دیگر کشورهای پایه ریزی می نمود. ایران همیشه در طول تاریخ مدافع بوده و نه مهاجم! مردم به پا خاسته از یک حرکت انسانی و اسلامی، پیش به سوی اهداف عالی سعادت و انسانیت دوان بودند، که ناگاه نهر، آبادی در نوار مرزی غرب و جنوب کشور در یک چند روز به هم ریخت و شیرازه زندگی مردم کوچک و بزرگ در معرض نابودی قرار گرفت.

سرتاج جنگی رسمی از طریق هوا، زمین و دریا در روز یازدهم شهریور ماه سال پنجاه و نه بین عراق و ایران به منصف جهانی کشیده شد و دو کشور با تمام توان پایکدیگر به جنگ وزد خورد پرداختند، اما آنچه در این نوشتار در پی آن هستیم، وجود دیگر کشورهای منطقه و فراسطحه در کنار عراق با تمام تجهیزات جنگی و نیروی انسانی.

شاید واژه جنگ در اذهان عمومی فقط در خون و خونریزی یا کشتار باشد، ولی بایستی اعتراف کرد با عنایت به فناوری امروزی، دیگر جنگ فقط صرف نژاد و درگیری فیزیکی نیست، بلکه جنگ امروز در پهنه گسترده جوامع رخنه نموده و تا اطاق های نشین نفوذ کرده است. جنگ در مؤلفه های کلان، آنچه در خاص را در بر خواهد داشت، ولی آنچه در بیست و پنج سال پیش بین عراق و ایران رخ داد یک جنگ همه جانبه بوده که ریشه در تمامی سطوح زندگی مردم را در بر گرفت و دنیا در کنار



## راویان

### نیرو با رچی مزاحم

محمد مثل همیشه گروهان تحت فرمانش را با اطمینان قلبی به سمت نقطه رهایی حرکت داد. بچه ها به ستون یک و پشت سر هم آرام و بی صدا به محل مورد نظر نزدیک می شدند. مسیر سخت بود و کوهستانی. هر گونه بی احتیاطی مساوی بود با لورفتن عملیات. خط پدافندی قبلاً توسط بچه های اطلاعات، عملیات شناسایی شده بود. در حسین مسیر صخره هایی بود که نباید با یا کنار آنها می گذشتند یا به هر طریق آنان را رد می کردند. عملیات در کردستان و مناطق کوهستانی همیشه هم سخت بود، هم طاقت فرسا. اما بچه های گروهان محمد گرمی این چندمین بار بود که با کوهستان های کردستان دست و پنجه نرم می کردند. ستون همچنان ماریج به حرکت خود ادامه می داد. هوا باران بود و سرد. محمد در حین حرکت هر چند وقت یکبار ستون را چک می کرد.

علیه ایران تحریم کرده بودند و از همه مهمتر تجهیزات امدادی از جمله خودروی آمبولانس تا یک در لنگر ۹۲ زهوی، پس از فتح شهر کرد که ایران در مجموعه تهاجمات عراق و دیگر متجاوزین عراقی، بعضی از جمله هایی که روزی در ب آنها سفارش تجهیزات کشاورزی برای یکی از کشورهای منطقه بود، ولی در داخل مقدس بود که زرمندان ایرانی به وجود آورده بودند و این پیروزی و موفقیت حاصل نمی شد، مگر در سایه توجهات الهی و متوسل شدن زرمندگان نیروهای مسلح ایران به اولیای امر و ائمه اطهار، اگر تاریخ دوران دفاع مقدس مجدداً نسبت به روز شمار ورق زده شود، در لایه لای این اوراق نکات مبهمی وجود دارد که حقیقتاً هر انسانی آزاده ای را متعجب و متحیر خواهد ساخت که کشورهای جهان آن روز که متحد و پشتیبان عراق بودند، در جنگ چه بلاهایی را روانه ایران اسلامی کردند، علیهذا ایران اسلامی یکپارچه بسیج شد. این ملت بزرگ سرافراز و پهلوان از این دفاع جانانه بیرون آمد و درس مقاومت، ایثار و ایستادگی را به همه جهانیان آموختند و تاریخ مرده را به تاریخ زنده تبدیل کردند و آن شاه‌الله ایران بزرگ و پهلوان همیشه در آسایش و امنیت کامل به سر برد.

همه و همه از یک اتحاد کلان صحبت به میان می آمد. اینجانب به عنوان فرمانده گروهان که در ایران نمی فروختند سرانجام بایستی اعتراف کرد که ایران در مجموعه تهاجمات عراق و دیگر متجاوزین عراقی، بعضی از جمله هایی که روزی در ب آنها سفارش تجهیزات کشاورزی برای یکی از کشورهای منطقه بود، ولی در داخل مقدس بود که زرمندان ایرانی به وجود آورده بودند و این پیروزی و موفقیت حاصل نمی شد، مگر در سایه توجهات الهی و متوسل شدن زرمندگان نیروهای مسلح ایران به اولیای امر و ائمه اطهار، اگر تاریخ دوران دفاع مقدس مجدداً نسبت به روز شمار ورق زده شود، در لایه لای این اوراق نکات مبهمی وجود دارد که حقیقتاً هر انسانی آزاده ای را متعجب و متحیر خواهد ساخت که کشورهای جهان آن روز که متحد و پشتیبان عراق بودند، در جنگ چه بلاهایی را روانه ایران اسلامی کردند، علیهذا ایران اسلامی یکپارچه بسیج شد. این ملت بزرگ سرافراز و پهلوان از این دفاع جانانه بیرون آمد و درس مقاومت، ایثار و ایستادگی را به همه جهانیان آموختند و تاریخ مرده را به تاریخ زنده تبدیل کردند و آن شاه‌الله ایران بزرگ و پهلوان همیشه در آسایش و امنیت کامل به سر برد.

جنگ واسطه ای - جنگ هسته ای - جنگ همه جانبه - جنگ هوایی - ...

در سر فصلهای فوق عنوان گردید که در نژاد جمعی و فرعی جهان امروز چه جنگهایی با چه عنوانی وجود دارند و در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی اکثر سر فصل های فوق در جریان بودند حامیان حکومت بعث عراق به آشکارا یک جنگ همه جانبه را بر ایران انقلابی تحمیل کرده بودند.

جهان دهه هشتاد میلادی با حداکثری توان در کنار حکومت وقت عراق علیه ایران، تحریم ها را از نوعی شروع کرده بودند و روز به روز بر فعالیت می افزودند.

اگر روزهای طول دوران دفاع مقدس از نگاه تحلیلی سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدشکافی گردد، کاملاً نمایان است که دشمنان ایران همه جنگهایی که نامبرده شد، در خصوص اطلاعاتی، علمی و آنچه به عنوان یک نژاد در جهان امروز مطرح است متحدین عراقی چه در منطقه و چه در فراسطحه علیه ایران به کار بردند.

در ابعاد مختلف این جنگها نمایان بودند، از شیمیایی تا اطلاعاتی تا اقتصادی تا تحریم ها

محمد مثل همیشه گروهان تحت فرمانش را با اطمینان قلبی به سمت نقطه رهایی حرکت داد. بچه ها به ستون یک و پشت سر هم آرام و بی صدا به محل مورد نظر نزدیک می شدند. مسیر سخت بود و کوهستانی. هر گونه بی احتیاطی مساوی بود با لورفتن عملیات. خط پدافندی قبلاً توسط بچه های اطلاعات، عملیات شناسایی شده بود. در حسین مسیر صخره هایی بود که نباید با یا کنار آنها می گذشتند یا به هر طریق آنان را رد می کردند. عملیات در کردستان و مناطق کوهستانی همیشه هم سخت بود، هم طاقت فرسا. اما بچه های گروهان محمد گرمی این چندمین بار بود که با کوهستان های کردستان دست و پنجه نرم می کردند. ستون همچنان ماریج به حرکت خود ادامه می داد. هوا باران بود و سرد. محمد در حین حرکت هر چند وقت یکبار ستون را چک می کرد.

محمد قبلاً نیروهایش را توجیه کرده بود و این را هم می دانست که فرماندهان، همیشه گروهان او و نیروهایش را برای سخت ترین نقاط عملیات انتخاب می کردند. حالا او و ستون دیگر درست زیر پای تیربارچی بودند. تیربارچی درست سر راه او و گروهان را سد کرده بود. هیچ راه عوری نبود، جز انهدام تیربارچی!

تازه برای رسیدن به سنگر تیربارچی باید از مخزه ای گذشت تا بتوان به آن رسید. کار گذشتن از صخره واقعاً مشکل بود. محمد ناگهی به ستون نمود. زمان بی خودی امیدوار بود. هر آن احتمال لورفتن ستون بود. خودش دست به کار شد. چپه اش را باز کرد و با کمک آن از صخره بالا رفت. تیربارچی هنوز او را ندانده بود. برای خاموش کردن او تعدادی نارنجک با خودش همراه داشت به هر طریقی که بود در نقطه ای که می توانست بر تیربار مسلط باشد، مستقر شد. نارنجکی را در دستش می شرد. برای آخرین بار ناگهی به ستون و ناگهی به تیربار انداخت. در یک آن ضامن نارنجک را کشید و خیلی با دقت و اعتماد به نفس آن را سمت سنگر پرتاب کرد و بعد هم خودش سنگر گرفت. ثانیه هایی بعد تیرباری که نیم ساعت بچه ها را با آتش سنگین خون زمین گیر کرده بود، آهن پاره ای بود که در کف سنگر ولو شده بود. تیربار که خاموش شد، ستون به سمت کف کرده شد و آن افتاد.

علی شفر






نیرو محرکه بزرگترین تولید کننده موتور سیکلت در ایران

**کیفیت برتر**

**خدمات پس از فروش گسترده**

**تحویل سریع سند و کارت موتور سیکلت**

از نیرو محرکه با اطمینان خرید کنید.

شرکت خدمات بارزگانه نیرومحرکه

تلفن فروش: ۸۸۸۹۲۳۲۵ - ۸۸۸۹۸۸۲۵ - ۸۸۸۹۸۸۰۰ - ۸۸۹۲۳۲۱۷ - ۵۶۷۳۰۰۰۰

تلفن خدمات پس از فروش: ۸۸۹۰۳۷۸۱ - ۸۸۹۰۳۷۸۰

همه کسب اطلاعات بیشتر با شناسایی شماره فروش و خدمات پس از فروش من در این صفحه مراجعه فرمایند.